

سفر به کویر برای دیدار با مردی که جدیدترین قنات ایران را ساخته است

احیای خلاقانه میراث فراموش شده پیشینیان



عباسعلی سپاهی یونسی |

گفت‌وگویم با محمد حشمت، مرد خوشفکر جندقی که جدیدترین قنات را در یکی از کویرهای ایران ساخته است، در تونل انتقال آب قنات انجام شد. همت او آن‌قدر بلند بوده که آب را از عمق ۳۰ متری زمین بدون پمپاژ به ارتفاع آورده است. آب قناتی که او حفر کرده از ارتفاع چند متری پایین می‌ریزد و آبشار زیبایی شده تا مسافران مسیر دامغان به اصفهان یا همان جاده معروف به جاده جندق حتی از دیدن تابلو آن در حاشیه جاده تعجب کنند، چه رسد به اینکه خودشان را چند صد متر آن طرف‌تر به آبشار برسانند و تازه متوجه شوند به چه بهشتی وارد شده‌اند که هم استخر دارد، هم جایی برای نشستن و هم دیدنی‌های دیگر. او سراغ هنر حفر قنات، این میراث چند هزارساله ایرانی رفته، اما نه به همان شکلی که گذشتگان رفته‌اند. نوآوری‌های او در قناتش می‌تواند الگویی برای دیگر قنات‌ها در نقاط مختلف کشورمان باشد. یک قنات با کارکردهای متعدد، نه فقط مناسب کشاورزی.

آب شور هم طلاست

دیوانه‌ای پیدا شده و می‌خواهد در منطقه کویر مرکزی هنر ۱۲هزار ساله ایرانی را دوباره احیا و قنات حفر کند، آن هم با پول و هزینه خودش؛ اما شماها نمی‌گذارید. پس از آن ماجرا بود که من را خواستند و مجوز حفر قنات صادر شد. من ۱۱۰ بار مسیر جندق تا اصفهان را که ۳۵۰ کیلومتری می‌شود، رفتم و آمدم تا توانستم مجوزهای لازم برای قنات را بگیرم. وقتی سال ۱۳۸۶ سراغ حفر قنات آمدم، عده‌ای به چشم دیوانه به من نگاه می‌کردند؛ هر چند من در کارم مصمم بودم. حرف آدم‌های مخالف این بود نخست، اینجا آب ندارد، دوم، آب هم داشته باشد چون شور است کاربرد ندارد. سال ۱۳۸۸ وضعیت شرکت‌ها و از جمله شرکت راه‌وساختمان بنده هم به مشکل خورد و برای ادامه کار قنات در آن مقطع، حتی ماشینم را فروختم اما اینجا را تعطیل نکردم، چون عشق به کویر و آباد کردن آن داشتم. ۵۰ نفر برای من کار می‌کردند و باید مرتب به آن‌ها دستمزد می‌دادم. طوری شده بود که با قرض گرفتن، دستمزد کارگرانم را دادم اما اجازه ندادم کار تعطیل شود. پس از مدتی به خاطر بعضی از مشکلات، گروه ۵۰ نفره من به ۲۰ نفر رسید و با همان تعداد ادامه دادم. مردم از شوری آب در منطقه می‌گفتند ولی من می‌دانستم حتی همان آب شور هم در دنیا طلاست. وقتی کارم را شروع کردم، غیر از زنده‌یاد پدرم و دوسه نفر از فامیل، بقیه همه مخالف کار من بودند. سال ۱۳۹۵ پدرم فوت کرد و دو سال بعد از آن، پسرم با اینکه جوان بود بر اثر تصادف از دنیا رفت و این اتفاق موجب وقفه در کار من شد. اما دوباره کار را از سر گرفتم. نگاه پدرم به عنوان یک مرد سالخورده این بود همین آب شور هم می‌تواند آبادانی داشته باشد که نشان از نگاه عمیق مردان قدیم به آب دارد.

روز اولی که می‌خواستم کار قنات را شروع کنم متوجه شدم دیگر در شهرمان مقنی یا همان چاه‌کن نداریم. مقنی‌ها پیر شده بودند و نمی‌توانستند کار کنند و یا فوت کرده بودند. از طرفی چون دیگر قنات ایجاد نشده بود، این شغل هم کنار گذاشته شده بود. در شرکت خودم ۳۰۰ نفر نیروی اجرایی دارم، به دهنم رسید از میان همان نیروها افراد مورد نظرم را پیدا کنم. ۶ نفر از جوان‌ها را انتخاب کردم و با آن‌ها درباره کاری که می‌خواستم انجام دهم صحبت کردم. وقتی آن‌ها را انتخاب کردم، گفتند: «ما حفر چاه و قنات بلد نیستیم» اما جواب من این بود: «یاد می‌گیرید». برای این کار یکی از پیرمردهای هم‌ولایتی وارد به کار را آوردم تا چیزهایی به آن‌ها یاد بدهد. آن زمان حقوق کارگر روزی ۱۶ هزار تومان بود و بنا روی ۳۶ هزار تومان اما من از همان روز اول مزد آن‌ها را بالا بردم تا با دلگرمی پای کار باشند. آن زمان به آن چند جوان گفتم شما یک ماه به طور امتحانی در این بخش کار کنید، اگر یاد گرفتید، ادامه بدهید وگرنه به کار قبلی‌تان برگردید. خوشبختانه چون از دل و جان کار کردند همان جوانان امروز مقنی‌های بسیار خوبی شده‌اند.

سال ۱۳۹۳ روز اولی که پس از چند سال زحمت و تلاش، آب از زمین بیرون آمد، حس و حال بسیار خوبی داشتم، چون بالاخره به نتیجه رسیده بودم. خیلی‌ها برای تماشا آمده بودند اما همان جا هم مردم به سرعت گفتند: «به‌به، حیف که این آب شور است». من خودم از همان اول می‌دانستم آب شور است و با علم به همین نکته سراغ ایجاد قنات رفته بودم. از قم تا بیرجند که در کویر مرکزی پیش می‌روید که طول آن چیزی حدود ۸۰۰ کیلومتر می‌شود و عرض آن هم

به جوانان اعتماد کردم

بیش از ۱۵۰ کیلومتر، آب شور است، یعنی در کویر مرکزی بیش از ۹۰ درصد آب‌ها شور است. اگر در جایی مثل خور قناتی داریم و به نسبت شیرین شده است، باز هم شیرین نیست و بر اثر گذشت زمان است. شوری آب قنات من ابتدا ۵۶ هزار بود که عدد بسیار بالایی است اما پس از چند سال آب‌دهی قنات، شوری به ۱۲ هزار رسیده است. چون آب وقتی جاری می‌شود شوری آن هم کمتر می‌شود و این امتیازی است که قنات دارد که نباید آن را نادیده گرفت. پروژه‌ای که ایجاد کرده‌ام دو یا سه سال دیگر هم کار دارد تا تکمیل شود و به جایی برسد که خودم دوست دارم. به نرخ امروز چیزی حدود ۶۰ میلیارد تومان هزینه زینه کرده‌ام. با این پول می‌شد کارهای بسیار زیادی انجام داد. ۳۰ میلیارد دیگر نیاز است، اما عشق به کویر و آبادانی آن سبب شد اینجا بمانم و از این ماندن هم پشیمان نیستم. اینجا همیشه چند نفری مشغول کار هستند، چه در قنات و چه در بخش‌های دیگر مجموعه.

تایستان اینجا غوغاست و جای نشستن نیست و حتی استخر آن را هم نوبتی کردیم. اینجا دوسه نفر کار کشاورزی انجام می‌دهند، دو سه نفر در قنات کار می‌کنند، چند نفر کار بنایی می‌کنند و خلاصه آدم‌های زیادی تا حالا اینجا کار کرده‌اند. پیش از کرونا مسافران خارجی داشتیم، برای آن‌ها دیدن این قنات بسیار جالب و عجیب بود و این چیزی بود که خودشان به من می‌گفتند. وقتی وارد قنات می‌شدند دیگر دلشان نمی‌خواست از اینجا خارج شوند. کاری که انجام داده‌ام سبب شده همین حالا در حدود هفت یا هشت نقطه دیگر از کشورمان هم آدم‌هایی از کارم الگو بگیرند.

برای نخستین بار در ایران

بهره‌برداری‌هایی که از این قنات می‌شود در نوع خودش بی‌نظیر است. فکر کنید در تایستان که دمای هوا در منطقه به ۵۰ درجه می‌رسد، می‌توانید به خنکای قنات پناه بیاورید و سرمای خوبی را احساس کنید، چون اختلاف دمای داخل و بیرون به ۲۵ درجه می‌رسد. در زمستان که همه جا یخبندان می‌شود، هوای داخل قنات دلچسب است و می‌شود ازفضایی که برای استراحت مسافران در نظر گرفته شده استفاده کرد. قرار است برای نخستین بار در ایران و شاید جهان از مسیر راه پله‌ای که ایجاد می‌شود بازدیدکنندگان با طی کردن ۱۰۰ تا ۱۲۰ پله به تماشای مادر قنات بروند. قرار است دو کیلومتر قنات با عرض دو متر طراحی شود که بازدیدکننده به‌راحتی بتوانند در آن تردد کند. با این کار، بازدیدکنندگان می‌توانند در عمق ۳۰ متری مادرچاه طریقه جمع شدن آب برای قنات را ببینند. بازدیدکننده می‌تواند ببیند چگونه آب یک قنات قطره قطره جمع و تبدیل به یک قنات جاری می‌شود. فراموش نکنیم پشت هر قناتی که از گذشتگان برای ما به یادگار مانده، هم علم وجود دارد و هم هنر اما متأسفانه از این علم و هنر غفلت کرده‌ایم و امروز دیگر بخش زیادی از جامعه ما نمی‌داند در یک قنات چه اتفاقاتی می‌افتد و چگونه آب آن جاری می‌شود، آن هم در جاهایی مثل کویر.

پروژه دیگری که برای قنات خودم در نظر گرفته‌ام پرورش قارچ با استفاده از رطوبت این قنات است. در پرورش قارچ در فضای قنات به آب نیاز نداریم، چون رطوبت مورد نیاز موجود است. من در مسیر گذر آب، استخر شنایی طراحی کرده‌ام که در نوع خودش جالب است. مشخصه این استخر این است در تایستان آب سرد دارد، چیزی که همه مردم به دنبال آن هستند، به‌خصوص در کویر و گرمای این منطقه؛ اما در زمستان که بیرون هوا سرد است از آب استخر بخار از روی آب بلند می‌شود، به سرامیک چون بخار از ریا سرامیک پوشانده‌ام. زمستان چون بخار از روی آب بلند می‌شود، به سرامیک‌ها برخورد می‌کند و به صورت قطرات آب درمی‌آید، چیزی که در حمام هم می‌توانید آن را ببینید. به وسیله مسیر کوچکی که کنار جدول وزیر سرامیک‌ها طراحی کرده‌ایم در هر شبانه‌روز بیش از هزار لیتر آب شیرین بدست می‌آوریم که به وسیله لوله به تانکری منتقل می‌شود. خوشبختانه تعدادی از کشاورزان منطقه با دیدن این طرح دنبال اجرایی کردن آن روی جوی آب خودشان رفته‌اند. من همچنان در حال کار در این منطقه هستم تا نشان دهم اگرچه کویر در ظاهر چیزی ندارد اما می‌تواند منبع جذب گردشگر و مسافر برای منطقه باشد و منبع آبادانی باشد.



آرزوی من

آرزوی من من این است که پروژه‌ام به آن جایی برسد که دلم می‌خواهد و می‌دانم برای رسیدن به آن باید همچنان تلاش کنم. نکته مهم‌تر اینکه دلم می‌خواهد حق الناسی به گردنم نباشد.



برش

شرایط متفاوت کارآفرینی

در کویر مرکزی ایران صدها و شاید بیش از این رقم روستا و آبادی‌هایی وجود داشته که بر اثر خشکسالی‌ها و مشکلات متعدد دیگر خالی شده‌اند و روستاییان از آنجا کوچ کرده‌اند. از این جهت اگر کسی پیدا می‌شود و در این وضعیت نوآوری می‌کند و کاری می‌کند که هم دیگران از کارش الگو بگیرند و هم بدانند به راحتی نباید آبادی‌ها را از دست داد، باید از او حمایت کرد. من یک کارآفرینم اما شرایط کارآفرینی من در این کویر و با این امکانات خیلی با کارآفرینی که در یک شهر بزرگ کار می‌کند متفاوت است. شرایط در این جا حتی با شرایطی که یک کارآفرین در حاشیه شهرهای بزرگی مثل تهران، اصفهان، مشهد و... دارد متفاوت است.